

## تأثیر دیپلماسی هوشمند در ارتباطات سیاسی نظام بین الملل

### جهانبخش ایزدی<sup>۱</sup>

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

### مجتبی تکبیری

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۳/۳/۴ - تاریخ تصویب ۹۳/۶/۳)

### چکیده

تغییرات ماهوی بر پیکره گفتمان ها و ابزارهای رایج در نظام بین الملل امری عادی و بدیهی نمی باشد. دیپلماسی نیز به عنوان مهمترین ابزار روابط بین الملل از این قاعده مستثنی نیست. با بررسی تاریخ دیپلماسی، شاهد قله های تاریخی هستیم، تاریخی که با دیپلماسی کلاسیک (دیپلماسی دولت - دولت) آغاز شده و با گذر زمان و افزایش آگاهی عموم مردم، دیپلماسی باز (دیپلماسی ملت - ملت) را تجربه می کند. با رواج یافتن رسانه ها، صفحه تاریخ دیپلماسی عمومی (دیپلماسی دولت - ملت) ورق می خورد. عدم پاسخگویی به نیاز تا آنجا می رسد که دیپلماسی به سبک و سیاق گذشته خود پاسخگوی نیاز روز نظام بین الملل نبود و "دیپلماسی هوشمند" متولد شد.

دیپلماسی هوشمند به معنای هم افزایی قدرتی سخت و نرم، با تکیه بر تجربه های دیپلماسی های فوق الذکر، در صدد حل مشکلات پیش روی نظام بین الملل می باشد و در این رهگذر، تأثیراتی بر سرعت، سهولت و دقت ارتباطات سیاسی نظام بین الملل خواهد داشت.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی، قدرت سخت، قدرت نرم، دیپلماسی هوشمند، ارتباطات

سیاسی

## مقدمه

منطق حاکم بر اعمال انسان بر تمرکز کامل بر روی مشکلات و تلاش وافر در جهت رفع آن استوار بوده است. این بدان معنی است که نیاز مولد اختراعات است. از جمله نیازهای بنیادین بشر از آغاز تاکنون برقراری ارتباط با هم نوعان خود بوده است. به حکم عقل، تلاش در صدد رفع آن به عنوان چالش ذهنی بشر قرار گرفت و به اختراع زبان، خط، دیوار نویسی، نقاشی و دیگر راه های برقراری ارتباط ختم شد.

ارائه هر کدام از راهکارهای فوق به فراخور اقتضائات زمانی و مکانی حاصل گردید و با تغییر نیاز، تغییر ابزار نیز تحقق یافت. در جهان کنونی، ثبات و سکون دو موضوع دور از ذهن به نظر می آیند. ویژگی عصر و زمان حاضر پویایی و تحرک است که هم منتج به ارتباطات گسترده شده و هم از این مسئله برای افزایش پویایی خود بهره برده است. ارتباطات و فناوری منبعث از آن در شئون مختلف زندگی مردم ظهور و بروز داشته است. به عبارت صحیح تر در عصر انقلاب ارتباطات، هم زندگی فردی نوع بشر و هم در سطح کلان، زندگی جمعی انسان ها دچار تحول شده است.

بررسی نقش انقلاب ارتباطات در عرصه خصوصی زندگی انسان ها مد نظر این پژوهش نمی باشد، آنچه مهم تر بوده و از حیث جامعیت، از دامنه تأثیر گذاری بیشتری برخوردار است، بررسی انقلاب ارتباطات در سطح کلان آن یعنی سطح مناسبات بین المللی است.

ابزار برقراری ارتباط در سطح نظام بین الملل "دیپلماسی" نام دارد. واژه ای ساده اما پر از پیچیدگی های ذاتی که از پیدایش آن تا امروز با فراز و فرودهایی همراه بوده است. اما آن چیزی که دارای اهمیت است بررسی شرایط روز نظام بین الملل بوده و تلاش در جهت فهم بهتر آن برای اتخاذ تصمیمات کاربردی تر و جامع تر می باشد. در حقیقت فهم "دیپلماسی هوشمند" است که راه گشای دنیای امروز است.

سؤال اصلی این مقاله بدین ترتیب مطرح می شود که نقش دیپلماسی هوشمند در ارتباطات میان بازیگران نظام بین الملل چگونه می باشد؟ در پاسخ می توان چنین فرضیه ای را مطرح نمود که دیپلماسی هوشمند به مثابه هم افزایی دو قدرت نرم و سخت از یک سو منشأ بهره گیری از عقلانیت سازمان یافته و از دیگر سو منشأ تسهیل ارتباطات در نظام بین

الملل می‌باشد.

### مفهوم دیپلماسی

برای واژه دیپلماسی در کتب و فرهنگ‌های مختلف معانی متعددی بیان شده است:

\* «دیپلماسی هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین الملل و حل و فصل اختلافات بین المللی با شیوه ای مداراجویانه است» (ایزدی، ۱۳۹۲: ۹).

\* امری که دولت‌ها به کمک آن و از طریق نمایندگان رسمی و غیر رسمی خود و نیز سایر بازیگران با استفاده از مکاتبات، مذاکرات خصوصی، تبادل دیدگاه‌ها، فعالیت‌های پشت پرده، ملاقات‌ها، تهدیدها و دیگر فعالیت‌های مربوط به جمع بندی، هماهنگ سازی و تأمین منافع ویژه یا عمومی کشور می‌پردازند (قوام، ۱۳۷۵: ۱۲۴).

\* دیپلماسی را مجموعه ای از تدابیر و اعمالی می‌دانند که عمدتاً با استفاده از طرق مسالمت آمیز جهت حصول به حداکثر توافق و تفاهم در میان انبوهه اختلافات برون مرزی اعم از منطقه ای و بین المللی برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار می‌گیرند (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵). در این تعریف، دیپلماسی واجد سه عنصر است که فارغ از آن‌ها، معنای دیپلماسی تمام نیست. عنصر اول، معطوف بودن دیپلماسی به امور خارجی است. یعنی در چارچوب مرزهای داخلی یک کشور این واژه کاربرد ندارد. عنصر دوم، پیگیری مطالبات و منافع از طریق صلح جویانه و مسالمت آمیز است. به این معنا، وقوع جنگ، پایان دیپلماسی تلقی می‌شود. عنصر سوم، تعقیب منافع در قالب مذاکره است. یعنی دیپلماسی از بیشترین ویژگی چانه زنی همراه است. (ایزدی، ۱۳۹۲: ۹).

شاید بتوان بهترین تعریف از دیپلماسی را از جان بلیس و استیو اسمیت که در کتاب «جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین» بیان کرده اند دانست:

«دیپلماسی در سیاست جهانی عبارت است از فرایند ارتباط بین بازیگران بین المللی که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض را بدون جنگ حل و فصل نمایند. این فرآیند در طول قرن‌ها پالایش و نهادینه شده و به صورت حرفه ای در آمده است» (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۷۱۵).

در تمام تعاریف فوق الذکر، مفهوم آشکار و مستتر، موضوع «مداراجویانه» و «مسالمت آمیز

بودن "دیپلماسی است که به عنوان جزء لاینفک آن و به بیان بهتر، روح و کالبد اصلی این واژه می‌باشند. این دو نقطه برجسته که از جنس "نرم" می‌باشند، در بحث مربوط به دیپلماسی هوشمند و قدرت هوشمند منبعت از ترکیب قدرت نرم و سخت بسیار حائز اهمیت هستند. اما به اختصار تعریفی از اصل قدرت لازم می‌باشد. جوزف نای نظریه پرداز قدرت نرم، قدرت را این طور تعریف می‌کند:

"قدرت، توانایی تأثیر بر دیگران برای گرفتن حاصل و نتیجه‌ای که یکی می‌خواهد است" (Nye, 2013:1).

#### اهداف دیپلماسی

در بین لایه‌های پوست اندازی دیپلماسی که در بخش‌های بعد به تفصیل بیان خواهد شد، یکسانی چارچوب دیپلماسی به وضوح دیده می‌شود. دیپلماسی در تمام اعصار و در تمام تحولات، همواره به دنبال تحقق یک سلسله اهداف از پیش تعیین شده و ثابت بوده است.

"هدف اولیه از برقراری هر گونه روابط دیپلماتیک، متوجه حفظ و حراست از منافع کشور خودی است. شکی نیست که مهمترین و بنیادی‌ترین منافع‌ای که هر کشور ناگزیر از حراست آن است امنیت و استقلال آن می‌باشد. لکن جدا از این ملاحظه اساسی، منافع اقتصادی، تجاری و حفظ جان و مال اتباع خودی در خارج نیز یکی از اهداف عمده‌ای است که دیپلماسی دنبال می‌کند" (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۸).

#### سیر تاریخ دیپلماسی:

پیشینه و آغاز پیدایش واژه دیپلماسی به سرآغاز زندگی اجتماعی بشر بر می‌گردد. مریم بیژنی در مقاله "دیپلماسی در گذر زمان" بیان می‌دارد که برخی نیز پیشینه دیپلماسی را همزمان با دوران پارینه سنگی در قبایل استرالیا، ساحل نشینان جزایر اقیانوس آرام، سیاهان آفریقا، سرخپوشان شمال و جنوب آمریکا و مردم چین و هندوستان به شمار می‌آورند (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

با توضیح فوق، می‌توان نقطه شروع دیپلماسی را از آغاز تشکیل و ایجاد جمعیت‌ها و لزوم

تبادل نظر و برقراری ارتباط دانست. برقراری ارتباط بر اساس "نیاز" شکل گرفته است. نیازی که انسان را بر آن داشت که با روشی خاص که بر مبنای درک متقابل طرفین باشد، در صد بیان درخواست خود و در نتیجه رفع نیاز برآید. در شکل فردی، با صحبت می توان پاسخ نیاز خود را گرفت، اما در شکل اجتماعی آن چگونه خواهد بود؟ در ابتدا باید تکمیل نمود که دولت ها به عنوان بازیگران اصلی عرصه نظام بین الملل، نقش آفرینی پررنگ تری داشته و دارند؛ این در حالی است که سایر بازیگران شامل سازمان های بین المللی، سازمان های مردم نهاد و ... نیز در عصر کنونی به ایفای نقش فعال می پردازند.

یکی از مهمترین دلایل تغییر نیاز، افزایش جمعیت و تقسیمات سرزمینی بوده است. با گسترش جمعیت، نیازها تغییر پیدا کرد و در مقیاس کمی نیز توسعه یافت. زمانی بود که زندگی مردم به تحصیل غذا و گذر معاش از دامن طبیعت ختم می شد. در تاریخ بشری اولین جابه جایی عظیم در قدرت وقتی رخ می دهد که جامعه محلی از میان قوی ترین اعضای خود یکی را که معمولاً مرد است به عنوان "حامی" بر می گزینند. گام بعدی تشکیل دولت وقتی است که حامی بخشی از ثروتی را که از مردم به چنگ آورده است برای "استخدام" سلحشوران و جنگاورانی به کارگیرد که اکنون مستقیماً مرهون او هستند و نه مرهون جامعه محلی، اینک، خود حامی تحت حمایت قرار می گیرد (تافلر، ۱۳۷۰: ۴۱۲).

تولید مازاد، حامیان را رشد داد؛ اما لزوم توزیع و صادرات این محصولات به کشورهای دیگر به برقراری ارتباط انجامید و راه را برای تبادل سهل کرد.

از سوی دیگر تا پیش از پیمان وستفالی که حاصل سی سال جنگ مذهبی در اروپا بود، دولت و سرزمین به روال جاری این روزگار مطرح نبود. این چنین بود که پیمان وستفالی با اعلام مجاز بودن شاهزادگان در صدور مجوز جنگ و یا پذیرش پیمان های صلح، زمینه آزادی و استقلال حدود چهارصد شاهزاده نشین را فراهم آورد. به این میمنت امضاء این پیمان را نقطه عطف عصر جدید و ظهور "دولت ها" به حساب آوردند.

دوران بین سال های ۱۷۴۰ تا ۱۹۸۹، اروپای وحشی زوروق پیچ شده که با شمشیرهای آخته به فتوحات و جناح بندی می-اندیشید، شاهد تحولی هر چند آهسته در دیپلماسی و جنگ بود. لذا "ایجاد سفارتخانه های دائمی و ارتش حرفه ای در دستور کار دولت های اروپا

قرار می‌گیرد (نقیب زاده، ۱۳۸۷: ۳۹).

در ادامه با توجه به موضوع اصلی که حول محور دیپلماسی متمرکز است، به تقسیم بندی انواع آن خواهیم پرداخت و شرح مختصری از آن بیان خواهد شد.

### دیپلماسی دولت-دولت (دیپلماسی کلاسیک)

ابتدایی ترین شکل برقراری ارتباط سیاسی تحت لوای دیپلماسی و مبادله دیپلمات، بر عهده‌ی دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی تمام اعصار بود. از این نوع دیپلماسی به دیپلماسی کلاسیک نیز یاد می‌شود که تطبیق تاریخی آن فاصله بین کنگره وین (۱۸۱۵) و وقوع جنگ جهانی اول است.

به دلیل آزادی عمل و گستردگی اختیار دیپلمات‌ها، آن را عصر طلایی دیپلماسی می‌نامند. از سوی دیگر، مخفی بودن دیپلماسی در آن دوران و بعد رخ دادن برخی جنگ‌ها، سوء ظن و بدبینی را نسبت به این ابزار مهم و پر کاربرد در بین مردم گسترش داد. با توسعه روابط بین الملل و افزایش همکاری‌های بین المللی و منطقه‌ای، زمینه‌های نوینی برای رفع مسالمت‌آمیز مناقشات دولت‌ها پدیدار گشت و دیپلماسی به عنوان یک راه حل منطقی جایگزین توسل به زور گردید (موسوی، ۱۳۸۶: ۱۵).

روزگاری بود که مردم کشورها از فقر اطلاعات رنج می‌بردند. فقر اطلاعاتی که به دلایل مختلفی از جمله نبود رسانه‌های جمعی، عدم احساس نیاز مردم به کسب اخبار با این دلیل که برای زندگی روزانه آن‌ها نفعی ندارد، عدم التزام حکومت‌ها به پاسخگویی به مردم، پیچیده بودن فرآیندهای مذاکره و ... رواج داشت. بدین ترتیب ارتباطات در نظام بین الملل، تنها به ارتباط بین نمایندگان دولت‌ها با نمایندگان سایر دولت‌ها ختم می‌شد و مردم در ترسیم خطوط مذاکرات، تغییر وضع موجود در روابط بین کشور متبوع خود با دیگر کشورها و ... نقشی نداشتند و بر اساس آنچه که گفته شد اصلاً نظرشان توسط مسئولین خود مورد بررسی قرار نمی‌گرفت.

با گسترش امکانات و ابزار به ویژه در دوران پس از رُنسانس که موجب شکوفایی در زمینه‌های علمی شده بود، رفته رفته دیپلماسی به سمت "دیپلماسی باز" سوق داده شد.

### دیپلماسی ملت - ملت (دیپلماسی باز)

به تدریج با تغییر شرایط داخلی کشورها، گسترش تکنولوژی، افزایش مسافرت ها و مهاجرت ها، اهمیت یافتن رسانه های مکتوب، دیداری و شنیداری، حرکت نظام های پادشاهی و خودکامه به سمت نظام های دموکراتیک و برخی علل دیگر، آگاهی مردم از حقوق خود و نقش بالقوه ای که می توانستند در گذشته در ارتباط با سایر کشورها ایفا کنند بالا رفت. افزایش سطح آگاهی موجب شد که مردم از مسئولین خود سؤالات جدی و اساسی را بپرسند و نسبت به مافوق مذاکرات، امضاء معاهدات و سایر مسائل مربوط به حوزه سیاست خارجی و به طور ویژه مسائلی که مستقیماً بر روی معاش و کسب و کارشان و همچنین ثبات یا برهم خوردن صلح تأثیر گذار بود حساس شوند.

در این نوع از دیپلماسی شاهد برقراری ارتباطات علمی، ورزشی، تجاری، فرهنگی، درمانی و... هستیم که با عناوینی مانند: دیپلماسی علم، دیپلماسی فوتبال، دیپلماسی رسانه، دیپلماسی محیط زیست، دیپلماسی آب، دیپلماسی انرژی و... مورد خطاب قرار می گیرد. در این دیپلماسی، افکار عمومی نیز به آرامی جایگاهی برای خود یافت و آنچه که مردم کشورها می-اندیشند با شیئی ملایم جزء دغدغه های طراحان استراتژی های سیاسی قرار گرفت. یکی از نشانه های برجسته دیپلماسی باز در عرصه بین الملل، ظهور سازمان های بین المللی و در رأس آن جامعه ملل بود.

تغییر دیپلماسی مدیون تکنولوژی است و با گسترش بیش از پیش تکنولوژی و فناوری های جدید، خاصه در موضوع ارتباطات و اطلاعات، شاهد گسترش دیپلماسی جدید هستیم. این گسترش، متقابل افزایش سرعت و سهولت، خطراتی را نیز در پی داشته است. به طور مثال تأسیس شبکه های اجتماعی در زمره این دست خطرات قرار می گیرند.

### دیپلماسی دولت - ملت (دیپلماسی عمومی)

بعد از سیر زمان و حصول تغییرات در ابعاد مختلف فردی، جمعی، دولتی و ابزاری، شاهد بروز یک نوع جدید از دیپلماسی هستیم. "دیپلماسی دولت-ملت" به سرعت جای دیپلماسی

”ملت-ملت“ را گرفت و دوباره برگی دیگر از تحولات دیپلماسی حادث شد. پیدایش و شکل‌گیری دیپلماسی عمومی به میانه دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد. یعنی در سال ۱۹۶۵، این واژه توسط یک دیپلمات آمریکایی به نام ادموند گولیون که رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر<sup>۱</sup> در دانشگاه تافتز<sup>۲</sup> بود، برای توصیف جنبه‌های جدید دیپلماسی بین‌المللی به کار گرفته شد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۱) و به تدریج بار معنایی یافت. البته از حیث رسمیت و سندیت وضعیت متفاوت است. به این معنا که از سال‌های آغازین دهه ۱۹۵۰ دست‌اندرکاران برنامه‌های اطلاعاتی و بین‌المللی امور فرهنگی در جست‌وجوی واژه‌ای برای این فعالیت‌ها بودند که هم نمایانگر ارتباط آن با سیاست خارجی باشد و هم از مناقشات فرهنگی و اطلاع‌رسانی ممانعت به عمل آورد. تا اینکه در نهایت در سال ۱۹۷۷ واژه دیپلماسی عمومی توسط دانتی فالس<sup>۳</sup> رئیس کمیته فرعی روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان به عنوان یک واژه در اسناد دولتی رسمیت یافت (رابرتس، ۱۳۸۶: ۳۰).

### دیپلماسی هوشمند

عبارت ”دیپلماسی هوشمند“ اولین بار در زمان روی کار آمدن دولت اول باراک اوباما از سوی هیلاری کلینتون وزیر وقت امور خارجه ایالات متحده ارائه گردید و در ادبیات سیاسی جهان وارد شد.

با توجه به فراوانی مسائل و به ویژه بحران‌ها، لزوم اخذ موضع مقتضی هر مورد امری بدیهی می‌باشد. امری که لزوم استفاده توأمان ابزارهای مختلف را طلب می‌کند. شاید بهتر باشد تحولات حادث شده در تاریخ دیپلماسی را، از سر نیاز به «سهولت، سرعت و دقت» ارتباطات سیاسی نظام بین‌الملل دانست و این پوست‌اندازی‌ها را تلاش نظام بین‌الملل جهت پاسخگویی مناسب به این سه نیاز در نظر گرفت.

در کنار دیپلماسی، ابزارهای قدرتمند دیگری از قبیل اقتصاد، قدرت نظامی، فرهنگ و ... و به خصوص رسانه به ایفای نقش می‌پردازند. این ابزارها با هم پوشانی یکدیگر، کمک شایانی

<sup>1</sup> Fletcher

<sup>2</sup> Tufts

<sup>3</sup> BRICS



برای نقش آفرینی بهتر دیپلماسی دارند. به این شکل که داشتن اقتصادی قوی سبب تقویت دیپلماسی آن و وابستگی اقتصادی سبب تضعیف شرایط یک کشور در مذاکرات دیپلماتیک می‌شود. تبلیغات به جا و حساب شده زمینه های لازم را برای ارتباط دیپلماتیک فراهم می‌آورد و تبلیغات ضعیف یا بهره گیری نادرست از آن ممکن است کشور را پیش از مذاکره دچار شکست کند. نیروی نظامی کشوری با اقتصاد نیرومند و تبلیغات مناسب در بسیاری از مذاکرات زمینه اطمینان و ثبات را برای آن و شرایط ترس و تسلیم را برای دیگران فراهم می‌آورد. فرهنگ و ایدئولوژی نیز در صورتی که به گونه درستی گسترش یافته باشد و از تبلیغات و رسانه ها در این راستا به خوبی بهره گیری شده باشد، دیپلماسی کشور را به سوی توفیق پیش می‌برد (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

”دیپلماسی هوشمند“ به منزله‌ی ”هم افزایی“ بین ”قدرت نرم“ و ”قدرت سخت“ به منزله بهره گیری از تمام ظرفیت های تکنیکی روزآمد است. کشف ابعاد مختلف دیپلماسی هوشمند، تأثیر به سزایی در میزان اختیارات دیپلمات ها داشته و با توجه به آشکار شدن ظرفیت های موجود برای اتخاذ تصمیمات کاربردی تر، دقیق تر، صحیح تر و سهل الوصول تر، دستگاه دیپلماسی در کشف منافع و راه های کسب آن ها به ویژه امنیت ملی موفق تر خواهد بود.

### چیستی دیپلماسی هوشمند

هیلاری کلینتون در تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ در جریان جلسه استماع تأیید خود، پیرامون چشم انداز دیپلماسی دولت اوباما این طور بیان می‌دارد:

”من اعتقاد دارم که رهبری آمریکا سابقاً خواسته و دنبال می‌شد، اما هنوز نیز خواسته می‌شود. ما می‌بایست از پدیده ای که قدرت هوشمند نامیده می‌شود استفاده کنیم؛ با آن، همه نوع از ابزار در دسترس ما می‌باشد. دیپلماسی، اقتصاد، ارتش، سیاست، قانون و فرهنگ. با قدرت هوشمند، دیپلماسی ما پیش‌تاز سیاست خارجی مان هستیم“ (Dimitrova, 2011:1).

همچنین ذکر این نکته ضروری می‌باشد که در دیپلماسی هوشمند تلاش می‌شود تا برای دیگر بازیگران نقش تعیین کرد و آن ها را به ایفای نقش در آن قالب مجاب نمود.

با توجه به خاستگاه اصلی دیپلماسی هوشمند، بررسی چرایی خلق این واژه و این نوع دکترین لازم می‌باشد. تغییر مهم در لزوم اقدام به این نوع دیپلماسی، متأثر از نگرش متفاوت جرج بوش و اوباما به مسائل جهانی است.

به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر، دکترین بوش عموماً با تغییر در سیاست خارجی مواجه شد و پیرو آن دکترین جدید، تناسب کاملاً نظامی و یکجانبه‌گرا برای دفاع از امنیت ملی و منافع حیاتی آمریکا به وسیله تحمیل هژمونی آمریکا در جهان لحاظ شد. به اذعان معاون وزیر دفاع سابق آمریکا جوزف نای، بوش سه تغییر اساسی در استراتژی خود انجام داد:

۱. کاهش اعتماد و اشنگتن به اتحادهای دائمی و مؤسسات بین‌المللی؛
۲. توسعه حق سنتی آمریکا در پیشدستی در جنگ‌های پیشگیرانه،
۳. دفاع از دموکراسی اجباری به عنوان راه حل تروریسم خاورمیانه‌ای.

بر اساس دکترین بوش در طول سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ و بر اساس استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۰، هدف ایجاد تغییر در رهبری آمریکا بر جهانی است که در حال تغییر است؛ در جایی که قدرت آمریکا با چالش مواجه است. از جمله آن چالش‌ها می‌توان حضور پر رنگ کشورهای نوظهور (بریکس) در امور جهانی و پیدایش تکنولوژی‌های روز که به سرعت در سطح وسیعی از جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند اشاره کرد. برای نمونه به اینترنت می‌توان اشاره داشت؛ فضای مجازی، گستردگی تهدیدات را به دنبال داشته است و در این فضا گاهی منافع ملی کشوری توسط یک گروه کوچک خرابکار مورد حمله قرار می‌گیرد. این تغییر در نوع نگاه به نقش و قدرت آمریکا، در سخنرانی هیلاری کلینتون در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ و در جمع شورای روابط خارجی آشکار است:

«امروز ما می‌بایست اعتراف کنیم به دو حقیقت گریزناپذیر که جهان ما را تعریف می‌کند: اولاً هیچ ملتی یارای مواجهه با چالش‌های جهانی را به تنهایی ندارد. این موضوع دو جنبه دارد. تعداد زیادی از بازیگران برای نفوذ بیشتر رقابت می‌کنند، از تلاش برای افزایش قدرت تا شرکت در کارتل‌های خارجی، از سازمان‌های مردم‌نهاد تا القاعده، از دولت‌های کنترل‌کننده رسانه‌ها تا کاربران سایت تویتر. ثانیاً نگرانی بیشتر ملت‌ها به یکسانی تهدیدات جهانی برمی‌گردد، از عدم اشاعه تا بیماری درگیری با ضد تروریسم» (Clinton, 15/07/2009).

جوزف نای که مبدع نظریه قدرت نرم است، بیان می‌دارد که قدرت هوشمند به معنای تلفیق و ترکیب دو قدرت سخت و نرم است (Nye, 2009 : 3). اعلان رسمی موافقت با استراتژی قدرت هوشمند توسط هیلاری کلینتون وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا و در جریان جلسه استماع تأییدش در کمیته روابط خارجی مجلس سنا در مورخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ انجام شد و به عنوان آغازی بر رواج دیپلماسی هوشمند بود. وی اعلام کرد:

”من اغلب از قدرت هوشمند صحبت کرده‌ام، چرا که آن، بخش مرکزی تفکر و تصمیم‌گیری ما است. به این معنا که از همه ابزارهای دیپلماسی شامل توانمندی‌هایمان در گردآوری و پیوستن، هوشمندانه استفاده کنیم. معنای آن این است که از اقتصاد و قدرت نظامی مان؛ ظرفیت‌هایمان برای کارآفرینی و نوآوری؛ توانمندی و اعتبار رئیس‌جمهور جدید و تیم وی استفاده شود. آن یک مخلوط و ترکیبی از اصول و عمگرایی است“ (Clinton, 15/07/2009). با توجه به توضیحات فوق باید بیان داشت که دیپلماسی هوشمند به معنای بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود در زمینه‌های مختلف سخت و نرم است. دیپلماسی هوشمند از کلیه امکانات موجود شامل: قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند، تهدید سخت، تهدید نرم، تهدید هوشمند، امنیت سخت، امنیت نرم و امنیت هوشمند به مثابه یک پازل برای رسیدن به مقصود بهره می‌گیرد.

به عنوان مثال در بحث دیپلماسی هوشمند، هنگامی که جنگی رخ می‌دهد، دو کشور یا دو جبهه درگیر در جنگ، از تمام ظرفیت‌های خود برای شکست دادن دشمن در اسرع وقت استفاده می‌کنند. روش به کار رفته در جنگ هرچه باشد، روشن است که جنگ، حکومت‌ها را بیش از پیش به سمت استفاده از رسانه‌ها برای مقاصد تبلیغاتی سوق می‌دهد (استریت، ۱۳۸۴: ۱۶۳). برای نمونه می‌توان به اقدامات انگلستان در جریان جنگ فاکلند اشاره کرد. از جنبه دیگر می‌توان دیپلماسی هوشمند را نتیجه هم‌افزایی سه دوره‌ی دیپلماسی سنتی، باز و عمومی نیز دانست. با این توضیح، دست دولت‌ها برای ارتباط با مردم دولتی که در حالت تخصص با آن هستند باز می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به احداث سفارتخانه مجازی برای ایرانیان توسط ایالات متحده‌ی آمریکا که از بستر دیپلماسی سایبری نشأت می‌گیرد اشاره کرد.

به غیر از روش تلفیقی فوق، سیاستمداران کشورها به دنبال ارتباط گیری مستقیم با مردم بدون واسطه خبرنگاران و اصحاب رسانه هستند که باز هم بهترین فضا برای این کار فضای مجازی خواهد بود.

به طور کل می توان دیپلماسی هوشمند را برآمده از خاستگاه و بستر "قدرت هوشمند" دانست. قدرت هوشمند همان طور که در تعریف جوزف نای آمده بود هم افزایی چهره سخت و نرم قدرت برای کسب منافع و قبولاندن نظر خود به دیگران با استفاده از تهدید یا اغناء است. برای فهم بهتر، لازم است ویژگی های محیط بین المللی حاضر را مرور نماییم. به طور کلی، محیط بین المللی جدید دارای مشخصات زیر است:

\* وجود «کشور - ملت ها» با اقتدار کمتر به استثنای چند قدرت بزرگ، اگر چه آنها نیز نیازمند توجیه افکار عمومی برای رفتارهای داخلی و بین المللی خود می باشند. افزون بر کشورها، بازیگران دیگری نیز در صحنه بین المللی وجود دارند. از جمله سازمان های غیر دولتی، قدرت های مجازی با هویت شبکه ای.

\* «قدرت سخت و قدرت نرم» هر دو اساس بقای کشورها و اهرم تعیین کننده در تعاملات میان آنها خواهند بود.

\* «سیاست واقعی» همچنان اساس محاسبات کشورها در برقراری و تنظیم روابط با یکدیگر خواهد بود ولی تعیین کنندگی دانش و اطلاعات در هزاره سوم آنان را ناگزیر می نماید که «سیاست دانشمدار» را مکمل سیاست واقعی نمایند.

\* «دیپلماسی سنتی» کماکان مجرا و مدار ارتباطات میان کشورها است ولی ضرورت ارتباط با بازیگران نامحدود زمینه اتخاذ «دیپلماسی دیجیتالی» را فراهم می آورد (بیات، ۱۳۸۵: ۲۳).

به اطلاعات فوق می بایست این نکته را نیز اضافه نمود که فضای مجازی، دو بُعد لایتغیر و در دسر ساز گذشته یعنی "زمان" و "مکان" را به تسخیر خود در آورده است. این دو قید با رواج و افزایش حضور فضای مجازی کاهش یافتند.

## تأثیرات دیپلماسی هوشمند بر سهولت، سرعت و دقت ارتباطات سیاسی نظام

## بین الملل

پس از بررسی تمام اجزای تشکیل دهنده و ارکان دیپلماسی هوشمند و بعد از بازیابی معنایی عبارت دیپلماسی هوشمند، در اینجا به بررسی تأثیرات دیپلماسی هوشمند بر هر یک از سه عامل سهولت، سرعت و دقت در ارتباطات نظام بین الملل می پردازیم. البته باید اشاره داشت که جدید بودن این موضوع، دسترسی محقق به منابع مرتبط را با محدودیت های فراوان و مشکلات جدی مواجه ساخت.

ذکر مجدد این نکته نیز لازم می نماید که سنت حاکم بر نظام بین الملل، آنارشی است. این آنارشی سختی کار دولت ها را افزایش می دهد. پس در بادی امر می توان به این نظریه پرداخت که کشورها برای آن که از فشار نیروهای سیاسی و نظامی بیرونی مصون باشند و در محیطی آرام و بدون دغدغه در جهت منافع واقعی ملا خویش اهتمام ورزند، می بایست درصدد کسب قدرت به حد مطلوب برآیند (کاظمی، ۱۳۶۶: ۷۸).

قبل از تقسیم بندی هر یک از واژگان، ابتدا لازم به نظر می آید تعریفی از نظام بین المللی را به بحث بگذاریم. سیستم بین المللی شامل کشورها، سازمان های بین المللی و منطقه ای و همچنین روابط و اعمال متقابل آن ها می شود (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۳۳۷).

کشف ویژگی های جهان آینده از دغدغه های همه کشورها به ویژه ابرقدرت هاست. در همین رابطه فیلیپ ای. ادین<sup>۱</sup> در خصوص روندهای آینده ساز و نقش آمریکا می گوید: «امروز نیروهای نظامی ما بر اساس تهدیدهای کنونی سازماندهی شده اند. اما تهدیدهایی که در آینده با آن ها مواجه خواهیم شد، لزوماً شبیه تهدیدهای کنونی نیستند. اگر رویه جدیدی پیش نگیریم، نیروهایی خواهیم داشت که برای محافظت از امنیت مان در بیست سال آینده مناسب نخواهند بود. دشمنان آینده ما از گذشته درس گرفته اند و احتمالاً به شیوه های کاملاً متفاوت با ما مقابله خواهند کرد» (حسنلو، ۱۳۹۱: ۳۷۲).

در حقیقت قیود «سهولت، سرعت و دقت» همانند یک پازل در کنار هم قرار می گیرند و در عین تأثیر دیپلماسی هوشمند بر تحقق یافتن هر کدام از این قیده‌ها، در ترسیم درست دیپلماسی هوشمند مؤثر هستند.

<sup>۱</sup> Philip A. Odeen

در گذشته نحوه به کارگیری انواع قدرت (سخت، نیمه سخت و نرم) در چالش‌ها، تهدیدها و منازعات این گونه بود که کاربرد «قدرت سخت» را منحصر به شرایط جنگی و کاربرد قدرت نرم را بیشتر در شرایط صلح و آرامش می‌دانستند. در حالی که چالش‌ها، تهدیدها و منازعات آینده نه تنها ابعاد نرم را شامل می‌شوند بلکه ابعاد سخت قدرت را نیز تحت سیطره خود قرار داده‌اند. امروز به کارگیری این ابعاد قدرت به طور هم‌زمان و در شرایط جنگ و صلح مرسوم است. به کارگیری هم‌زمان این قدرت‌های متنوع و گوناگون تهدیدهای مهلکی به وجود آورده است که آن را «تهدیدهای هوشمند» نام نهاده‌اند (حسنلو، ۱۳۹۱: ۳۷۴).

کلوزویتس در باره جنگ معتقد است که جنگ صرفاً کنش سیاسی نیست، بلکه یک ابزار سیاسی واقعی و استمرار یک اقدام سیاسی از طریق دیگر است. جنگ هیچگاه به عنوان پدیده‌ای مستقل متصور نیست؛ بلکه همیشه ابزاری برای سیاست است (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۳۸).

این سخن کلوزویتس حاکی از دیپلماسی هوشمند است.

#### الف. تأثیر دیپلماسی هوشمند بر «سهولت» ارتباطات سیاسی نظام بین الملل

همانگونه که بیان گردید، دیپلماسی به معنای گفتگو و برقراری ارتباط است. دیپلماسی هوشمند با توجه به استفاده توأمان از تمام ظرفیت‌های سخت و نرم نظام بین الملل، از جمله تکنولوژی‌های نوینی مانند اینترنت، ماهواره، گیرنده‌ها و فرستنده‌های دیجیتال، سهولت برقراری ارتباط را در پی داشته است.

بارها پیش آمده است که دولتی، مواضع رسمی اما تحت لوایی را از طریق رسانه‌ها منعکس کرده است، به طوری که تنها افراد در رأس حکومت از موضوع برداشت کامل کنند و منظور دقیقی از آن پیام یا سخنرانی را درک نمایند. این در حالی است که هیچ‌یک از مردم عادی از مفهوم آن حرف یا پیام درک صحیح پیدا نکنند و اساساً پی نبرند که پشت آن پیام یا سخن اشارتی نهفته است. حتی برخی از دولت‌ها تنها با حضور در مکانی خاص که حاوی گرایش و یا پیامی است، نظر خود پیرامون موضوع بحث با کشور دیگر را بیان می‌دارند. تمام این دست مسائل بیان شده با توجه به سهولتی است که بهره برداری از دیپلماسی هوشمند به دست مقامات داده است تا با بهره‌گیری حداکثری از آن به اهداف از پیش تعیین شده

خود برسند. مجادله علیه فناوری هایی که به نظر می آید چیزهایی بیش از آنچه داریم به ما می دهند، دشوار است؛ به ویژه اگر آن چیزها ارزان تر، سریع تر، و قابل اتکاء تر باشند (استریت، ۱۳۸۴: ۲۴۳).

اگر در زمان دیپلماسی سنتی، لازم بود سفیر یا یکی از کادر سفارت، جهت دادن گزارشی از محل مأموریت خود با طی زمان فراوان و مشقّات سفر، به کشور متبوع خود برسد، در حال حاضر با بهره گیری از شیوه های نوین، حتی گاهی قبل از ارسال خبر توسط سفارتخانه، مقامات کشور متبوع سفیر از خبر مطلع شده اند و تنها منتظر اعلام تحلیل از سوی سفارتخانه خود برای طی مراحل بعد (شامل اعلام موضع یا نادیده گرفتن) هستند. همچنین به دلیل گسترش اطلاعات، تصمیم گیری پیرامون موضوعی در عالم سیاست سهل الوصول تر شده است، چرا که انواع مختلفی از داده ها کنار هم گذاشته می شوند و با کمک دستگاه های پالیش کننده، تحلیل درست تر و نزدیک تر به واقعیت را به دست می آورند.

#### ب. تأثیر دیپلماسی هوشمند بر "سرعت" ارتباطات سیاسی نظام بین الملل

بیان مطلب از تأثیر دیپلماسی هوشمند بر سرعت ارتباطات نظام بین الملل فارغ از در نظر داشتن تأثیر سهولت آن امری ناقص خواهد بود. اگر زمانی اعلام موضع پیرامون یک انقلاب و به رسمیت شمردن یا نشمردن دولتمردان جدید آن کشور نیاز به مرور زمان و بررسی دقیق خاستگاه ها، منویات، آرمان ها و نوع تعاملات آن ها با نظام بین الملل داشت، امروزه قبل از وقوع انقلاب، کودتا یا...، تمام کشورها با استفاده از کادر سفارتخانه خود و اعزام نفرات خبره در تحلیل به محل کشور مورد بررسی، تمام حوادث را از نزدیک بررسی و تحلیل می کنند و با استفاده از امکانات دیجیتال امن، ناظران در مأموریت، اطلاعات را به سرعت به مرکز مخابره کرده و بعد از کسب دستور اقدامات بعد را در جهت منافع کشور متبوع خود انجام می دهند. البته باید بیان داشت که این سرعت موجب گردیده است که اختیار عمل و استقلال رأی سفرا کاهش یابد. اگر در روزگاری سفیر را به عنوان "وزیر مختار" می خواندند، به این خاطر بود که در صحنه عمل به دلیل نبود امکان مشورت با مرکز از اختیار عمل تام برخوردار بود؛

فلذا افراد با تدبیر بالا و آگاه را بر می‌گزینند.

اما در عصر کنونی، سفرا در اکثر موارد به ویژه مسائل مربوط به منافع ملی و خاص، مکلف به مشورت و اخذ تدبیر از مرکز هستند. البته با توجه به گسترش آگاهی های مردم، حساس بودن افکار عمومی و لزوم پاسخگویی به افکار عمومی، دیپلمات ها ترجیح می‌دهند تا از زیر بار مسئولیت تصمیم گیری طفره رفته و دولت و مرکز متبوع را مسئول معرفی کنند. در حال حاضر افکار عمومی کشور و جهان به عنوان یک جزء ثابت و مؤثر در تصمیم گیری های مسئولین می‌باشد. مسئولان بدون در نظر داشتن آن که «با انجام این کار یا بالعکس انجام ندادن این کار مردم چه فکری خواهند کرد» دست به اقدامی نمی‌زنند. حتی اگر هم دولتی موفق به اعمال سانسور شود، به دلیل وجود رسانه های پخش شونده از روی ماهواره ها و یا فضای مجازی، باز مردم کشورش متوجه خواهند شد و پاسخگویی را طلب می‌کنند.

نمونه ای برای این موضوع دغدغه دولتمردان ایالات متحده قبل از حمله به عراق بود. به دلیل اینکه همانند حمله به افغانستان، نتوانستند اجماع جهانی و همسویی افکار عمومی داخلی و خارجی را به دنبال داشته باشند، مجبور به صرف زمان و هزینه برای اغناء افکار عمومی داخلی خود که با پرداخت مالیات، هزینه های جنگ را متقبل بودند، شدند. در این سرعت، نقش وسایل ارتباط جمعی و به خصوص فضای مجازی ملموس است. دولتمردان کشورها ترجیح می‌دهند تا از طریق استفاده از این فضا، با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند و وجه و پرستیژ کشور خود را افزایش دهند. چیزی شبیه به عملی که در دیپلماسی هوشمند انجام می‌شود، در عصر کنونی با قدرت و البته کمیت و کیفیت بیشتری دنبال می‌شود.

اگر زمانی اختراع ماشین بخار، تحولی شگرف در عرصه ارتباطات به حساب می‌آمد، امروزه هر ساعت شاهد بروز انقلابی در عرصه ارتباطات هستیم.

امروزه با کوچک و پیچیده تر شدن جهان به دلیل رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره، معادلات گذشته در تنظیم روابط بین کشورها تا حدود زیادی به هم خورده و جای خود را به معادلاتی جدید داده است. بنابراین، قدرت ها به جای به کارگیری



مستقیم زور، به استفاده از قدرت نرم و ایجاد تغییرات از طریق مسالمت آمیز با کاربرد شیوه های نوین مداخله در امور داخلی کشورها توجه نشان می دهند (ماه پیشانیان، ۱۳۹۱: ۴۲۰).  
 آینده همه ملت ها در گرو شناخت دقیق مفاهیم، امنیت، قدرت، تهدیدهای نرم و هوشمند، و همچنین انواع جدید رقابت، منازعه و جنگ است. در این دوران، تغییرات محیطی سریع و غافلگیر کننده اند و تهدیدها به تدریج نامحسوس تر می شوند. در کنار تسریع روندها، ضرورت تغییر در نگاه به انگاره های قبلی نیز بیشتر می شود. در این دوران، طرفین منازعات از طیفی متنوع از درگیری ها با شیوه های پیچیده بهره می برند. لذا مفاهیم تعارض، تهدید و جنگ به شدت نیازمند به بازاندیشی است. فضای منازعات به شدت غبار آلوده است. در این فضا دشمن و دوست به سادگی قابل تشخیص نیستند، زیرا رقابت منحصر به یک بُعد و یک حوزه نیست و ابعاد و حوزه های گوناگون دارد (حسنلو، ۱۳۹۱: ۳۷۵).

از سوی دیگر، رسانه های اجتماعی که به برکت رشد روزافزون تکنولوژی مبتنی بر اینترنت، نضج زیادی یافته اند، در کمترین زمان ممکن، اطلاعات و داده ها را به سطح وسیعی از کاربران منتقل می کنند که این موضوع امکان ایجاد بحران های اجتماعی در قالب سازماندهی شورش های خیابانی را فراهم می آورد.

این شبکه ها با استفاده از قابلیت هایی که دارند امکان اتصال تعداد زیادی از کاربران به بانک داده افراد را فراهم می آورند. همچنین قابلیت "اشتراک گذاری" تصاویر، صوت و فیلم از جمله آسیب های مقابل دولت ها در زمینه فضای مجازی می باشد. برای نمونه می بایست به نقش پر رنگ شبکه اجتماعی فیس بوک در جریان بیداری اسلامی در مصر اشاره کرد.

تا قبل از پدیدار شدن شبکه های اجتماعی، دلیل رجوع به اینترنت معمولاً نیاز بود تا سرگرمی؛ اما با پیدایش و افزایش این شبکه ها این فضا بسترساز اجتماعات مجازی شده است. همچنین باید این نکته را نیز در نظر داشت که این فضا همانند لبه تیغی است که ظرافت عمل می خواهد؛ باید دانست که همانگونه که با استفاده از این شبکه ها می توان بحران آفرینی کرد، می توان مدیریت بحران نیز کرد.

از بُعد نظارتی نیز باید افزود که معمولاً امکان کنترل این فضا به دلیل سرعت بالای آن دشوار و پرهزینه است. با وقوع انقلاب ارتباطات، مرزهای سیاسی گذشته بین کشورها دیگر

همانند گذشته موضوعیت ندارد و این امر موجب افزایش کنترل و نظارت دولت‌ها در فضای مجازی می‌شود و غالباً حاصلی جز افزایش بحران ندارد.

### ج. تأثیر دیپلماسی هوشمند بر «دقت» ارتباطات سیاسی نظام بین الملل

ویژگی برجسته دیپلماسی هوشمند در این است که علیرغم افزایش سرعت، دقت کاهش نمی‌یابد. به بیان بهتر، دقت فدای سرعت نمی‌شود و همزمان با رشد و افزایش سرعت و رسیدن به سهولت، دقت نیز هم پای آن‌ها حضور دارد.

به دلیل استفاده توأمان از قدرت سخت و قدرت نرم، اطلاعات که ارزشمندترین کالای عصر حاضر است با دقت بالایی احصاء و در اختیار تحلیل گران قرار می‌گیرد. البته حجم بالای اطلاعات که حاصل عصر اطلاعات است، اندکی بر صحت و سقم داده‌ها خدشه وارد می‌کند. خدشه‌ای که بر صحت اطلاعات وارد می‌شود، لزوم افزایش معیارها برای کسب اطلاعات را امری بدیهی می‌کند.

همگان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در آینده‌ای نه چندان دور با انواع جدید از چالش‌ها، تنش‌ها، بحران‌ها، تهدیدها و منازعات مواجه خواهیم شد. هم‌اکنون نوع ادراک کنشگران جهان از مفاهیم «امنیت»، «تهدید»، «دفاع»، «قدرت»، «جنگ» و... به شکلی بنیادین دچار دگرگونی (تغییر) شده است. این مفاهیم رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند و تغییرات هر یک دیگری را نیز متأثر می‌کند. پیش‌بینی می‌شود با گذر زمان، این مفاهیم نیاز به بازاندیشی اساسی داشته باشند (حسنلو، ۱۳۹۱: ۳۷۳).

در پایان باید متذکر شد که تاکنون جنگ هوشمندی رخ نداده است تا ابعاد آن بررسی شود، اما بُعد نرم دیپلماسی در داخل دیپلماسی هوشمند در جریان است.

### نتیجه گیری

دیپلماسی هوشمند به معنای استفاده صحیح و هوشمندانه دولت و عوامل اجرایی آنها به ویژه دستگاه دیپلماسی و مجریان آن که همانا دیپلمات ها می باشند از تمام ظرفیت های مادی و معنوی، سخت و نرم و ذهنی و عینی موجود در داخل کشور و خارج آن به جهت تسهیل در دستیابی به اهداف و حفظ و بسط منافع و به طور خاص منافع ملی می باشد. در جمع بندی کلی از موضوع دیپلماسی هوشمند باید بیان داشت که به نظر این موضوع، اوج تاریخ دیپلماسی را رقم خواهد زد و تاریخ مصرفی طولانی خواهد داشت. چرا که بشر با طی تجربیات فراوانی از دیپلماسی کلاسیک به این نوع دیپلماسی رسیده است و گویی که چون برای رسیدن به آن هزینه های فراوانی را متحمل شده است، به آسانی آن را کنار نخواهد گذاشت. مهمترین دلیل طولانی بودن تاریخ مصرف این سبک، به رشد آگاهی ملت ها و حضور پر رنگ ایشان در قالب و ردای دموکراسی است. این موضوع بازگشت به دوران دیپلماسی پنهان را با شدت فراوان نفی می کند و با هر وسیله ای به نفی دیپلماسی پنهان و تأیید دیپلماسی هوشمند خواهد پرداخت.

با توجه به خاصیت اصلی دیپلماسی که همواره با قید اساسی و مهم "مسالمت آمیز بودن" همراه است، می توان بیان داشت که علی رغم باز بودن دست دولت ها در بهره گیری از قدرت سخت، اما وجه غالب در دیپلماسی هوشمند، جنبه قدرت نرم می باشد. دلیل این امر سرعت و قدرت نفوذ و تأثیر بیشتر توأم با هزینه کمتر است.

دیپلماسی هوشمند تأثیرات فراوانی را بر "سهولت"، "سرعت" و "دقت" از تباطات سیاسی نظام بین الملل داشته است. بیان این فعل که "داشته است" به هیچ وجه نباید گمراه کننده سایر محققان باشد؛ چرا که با توجه به جدید بودن موضوع و کم بودن منابع مرتبط، برخی از نکات به دست آمد و بدیهی است که با گذر زمان امکان بررسی بیشتر در این موضوع وجود داشته و بلکه یک ضرورت است.

برخی نکات و پیشنهادات جهت بهبود بهره گیری از این دیپلماسی هوشمند بدین ترتیب

مطرح می گردد:

- ۱- باید دانست که گذر زمان موجب فراگیر تر شدن این ایده در بین تمام کشورها خواهد شد و این فراگیری فارغ از هر نوع نگرش و منزلت دولت ها خواهد بود. لذا تمرکز بر آن و تلاش در جهت فهم بهتر و انجام آزمون و خطا قبل از گسترش آن امری لازم به نظر می‌رسد.
- ۲- به غیر از دولت ها، سایر بازیگران عرصه نظام بین الملل نیز از آن بهره برداری خواهند کرد. این بهره برداری که به دلیل در اختیار قرار داشتن تکنولوژی در دسترس همگان است، موجب برهم خوردن ترتیبات نظام بین الملل و رشد قدرت سایر بازیگران به ویژه سازمان های مردم نهاد خواهد شد.
- ۳- فارغ از لزوم بررسی وضع موجود جهت استفاده بهتر از دیپلماسی هوشمند، لازم است با سوار شدن بر موج تکنولوژی، تلاش مجدانه ای برای پیشی گرفتن در رشد علمی در این زمینه انجام پذیرد.
- ۴- باید توجه داشت که به غیر از لزوم پرداختن به ابزار و تکنولوژی، اهتمام به کشف و با ساخت منافع و منابع جدید در این امر راهگشایی فراوانی دارد. همان طور که بیان شد، دیپلماسی هوشمند در صدد بهره برداری از تمام ظرفیت ها می‌باشد و بازیگری موفق است که ظرفیت های فراوانی داشته باشد. از آن بازیگر موفق تر، بازیگری است که به ظرفیت های موجود که در بین همه بازیگران مرسوم است و رواج دارد بسنده نکرده و برای کشف و گسترش اقدام کند.
- ۵- نکته مهم این است که در مقاله حاضر تنها بررسی تأثیرات دیپلماسی هوشمند بر سهولت، سرعت و دقت ارتباطات سیاسی "نظام بین الملل انجام پذیرفت و جای بررسی سایر مسائل وجود دارد. به بیان دیگر، دیپلماسی هوشمند نه تنها بر ارتباطات سیاسی نظام بین الملل تأثیر گذار بوده است، بلکه نقشی اساسی در سایر حوزه ها از جمله فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... نیز داشته است که پژوهش در آن امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.
- ۶- برای اجرای دیپلماسی هوشمند نیازمند دیپلمات هوشمند هستیم. البته باید دانست که تربیت یک چنین فردی و احصاء ویژگی های مورد نظر برای آن خود لزوم یک پژوهش دیگری را دارد.

## منابع:

- آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار
- استریت، جان (۱۳۸۴)، رسانه های فراگیر، سیاست و دموکراسی، ترجمه حبیب الله فقیهی نژاد، تهران، انتشارات روزنامه ایران
- اسکیلز، رابرت (۱۳۸۴)، جنگ آینده، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران، انتشارات دانشکده دافوس سپاه
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۲)، آسیب شناسی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران
- بیات، محمود (۱۳۸۵)، دیپلماسی دیجیتال، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین ، تهران، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران
- تاغفر، آلوین (۱۳۷۰)، جابه جایی در قدرت (دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)، جلد دوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، چاپخانه گونه
- حسنلو، خسرو (۱۳۹۱)، "امنیت پایدار و جهان آینده"، کتاب مجموعه مقالات امنیت پایدار، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)
- رابرتس، والتز آر (۱۳۸۶)، دیپلماسی عمومی گذشته، حال و آینده، ترجمه فیروزه میر رضوی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، انتشارات سمت
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران های بین المللی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۰)، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین المللی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۱)، نقش امنیت نرم و راهبرد دفاع همه جانبه در امنیت پایدار، کتاب مجموعه مقالات امنیت پایدار، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۶)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین، قدرت نرم در روابط بین الملل،

ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۷)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل (از پیمان و ستفالی تا امروز) ، تهران، انتشارات قومس
- بیژنی، مریم (۱۳۸۴)، "دیپلماسی در گذر زمان"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۱-۲۲۲.
- هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸)، "جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی"، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم.
- Clinton, Hillary (July 2009), "Foreign Policy Address at the Council on Foreign Affair", The White House, Washington D.C., available at [http:// www.cfr.org](http://www.cfr.org)
- Clinton, Hillary (January 2009), "Transcript of Hillary Clinton's confirmation hearing to Senate Foreign Relations committee", available at <http://www.culturaldiplomacy.org>
- Dimitrova , Anna(2011), "Obama's Foreign Policy: Between Pragmatic Realism and Smart Diplomacy", available at <http://www.culturaldiplomacy.org>
- Nye, S, Joseph (21 January 2009), "The U.S. Can Reclaim Smart Power", available at <http://www.latimes.com>
- Nye, S, Joseph (2013), "What China and Russia Don't Get About Soft Power", available at <http://www.foreignpolicy.com>